



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پتال جامع علوم انسانی

اولین ها  
آخرین ها



يك عكس تاريخی از مدرس و گروهی از مردان سياست ايران در آن روزگار .

# اولین ها...

## آخرین ها...

دهم آذرماه مصادف است با سالروز شهادت مجاهد بزرگ  
سید حسن مدرس رجل برجسته - سیاسی تاریخ معاصر ایران .

مدرس هم به جهت مبارزه مداوم و پیگیر با استعمار و استبداد و هم  
بعلت دارا بودن شخصیت ممتاز علمی و روحانی ، در میان بقیه رجال  
تاریخی معاصر از مقام ویژه‌ای برخوردار است . راستی را آنست که نه این قلم  
ضعیف توان تحلیل درست و بسامان این شخصیت را دارد و نه در حوصله  
بسته این بخش از فصلنامه می‌شود انتظار چنین قاعده‌ای را داشت . بنا بر  
این شاید هیچ چیز مناسبتر از این نباشد که تالیف یک اثر تحقیقی مفصل را از  
طرف پژوهندگان بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ، پیرامون زندگی و طرز تفکر  
مدرس ، به عزیزان خواننده بشارت دهیم .

این مجموعه تاریخی که حاصل کوشش فراوان مؤلفین بنیاد تاریخ است  
در بخش های مختلف ، حاوی اسناد و مطالب منتشر نشده و منحصر بفردی است  
که بسیاری از ابعاد پوشیده زندگی این مرد ستیهند ه را روشن می‌کند .  
و از آنجا که بنیاد تاریخ این اقدام را ، خدمتی بسزا و درخور جهت  
ارائه به اهل تحقیق و تتبع می‌داند امیدوار است با سعی و کوششی که می‌کند  
این اثر را هر چه زودتر از مراحل چاپ گذرانده و در اختیار دانش پژوهان  
قرار دهد .

بخش اولین ها و آخرین های این شماره فصلنامه "یاد" اختصاص دارد  
به اولین نطق و آخرین نطق مجاهد شهید سید حسن مدرس در مجلس  
شورای ملی آن زمان باشد که در فرصتی گشاده تر به تحلیل مفصل تری از  
سخنان این شخصیت تاریخی دست یازیم . انشاء...

اولین نطق مدرس در جلسه ۲۰۰ مجلس شورای ملی ،

شنبه ۱۹ محرم الحرام ۱۳۲۹ - ۱۲۹۰ ه . ش

حاج سید حسن مدرس قمشه ای - اولاً عذر می خواهم که صحبت داشتن بنده قدری رود است به واسطه اینکه عاقل تا بصیرت پیدا نکند سزاوار نیست که صحبت بکند لیکن آن ضرورات تییح المحظورات . فرمایشاتی که فرمودند بخصوص آقای وکیل التجار و این چند جلسه هم بنده تجربه کردم که هر مطلبی که وزیر مالیه متعلق غرضشان است آخر همان می شود خصوص اگر موید به فرمایشات مخبر شد الا این که مبنای این مسئله خراب است به واسطه اینکه عنوان مضر است . یکدفعه می خواهید مالیات ببندید مسئله نیست ، بگوئید آنقدر باید بدهید یا هر کسی سوخته دارد همه اش را بدهد .

یکدفعه به واسطه رفع فساد حکمی می خواهید بکنید که واقعا " رفع فساد بشود . این میزانی دارد یقیناً " اینهایی که امنای شرعند تجویز خواهند کرد که اینک در این عنوان مجلس منعقد شد در اصفهان قبل از اینکه گفتگو در اینجا هم بشود بجهت مصارف نظمی و به عنوان شرعی همین مطلب را تصویب کردند اما روی عنوان مضر ، عنوان مضر روی تریاک نیست ، تریاک مالیده ، بجهت کشیدن این عنوان مضر است ، مضر هم مشخص نیست به واسطه اینکه خیلی از اشخاص تریاک می کشند و به مزاج آنها سازگار است نوعی است ، مسئله نوعی رافع می خواهد بعضی فرمودند ظاهراً " من درست نفهمیدم چه وزیر داخله جریمه بگیرند این رافع مضر نوعی نیست به واسطه اینکه من بیچاره تریاک می کشم به مزاج من می سازد وزیر داخله مرا می گیرد چوبسم می زند و همچنین رافع باید نوعی باشد مال مردم را من بخرم بچه خیال چه دخیلی به دافعی نوعی دارد چه ربطی دارد به شما اگر می خواهید به جهت دفع ضرر ایس کار را بکنید اگر به واسطه نفع است هر کسی تریاک دارد نصفش را بدهد به دولت این دفع نمی کند اگر واقعا " غرض اینست که این چیزی که مملکت ما را خراب کرد مسلمین را کم کرد فواحش را زیاد کرد فقیر را در مملکت ما زیاد کرد می خواهید واقعا " این را رفع کنید دیروز حاج دکنتر رضا خان فرمودند تریاک مالیده آقای مخبر فرمودند - نمی خواهد پس بهانه است برای اینکه مالیاتی بگیرند والا مضر مخصوص تریاک - مالیده کشیدن است چه دلیل دارد رد می کنید که نباید لفظ مالیده نوشته شود این

خلاف برای مجلس است مبنائی در دست نیست از روی هوی و هوس است ابدأ" مبنی در دست نیست صریح می‌گویم اگر می‌خواهید خدمت به ملتتان بکنید این امر — علیحده است ببینید کجا عیب دارد همان جا را رفع کنید

از آن جمله وزیر مالیه دیروز فرمودند که حکایت مالیدنش هم یک ترتیبی دارد و معین نفرمودند و گویا جهتش این بوده که تریاک را بیاورند یک جائی مخصوص اشخاص مخصوص بمالند آن وقت کاغذ رویش بچسبانند و بفروشند چون آقایانی که در تهران تشریف دارند از جاهای دیگر خبر ندارند، بنده از اصفهان و خراسان و همیس تهران خبر دارم. تهران تریاک ندارد، از دروازه تریاک وارد می‌شود می‌آورند — نظمی وزارت مالیه می‌گیرند، جاهائی که خودشان تریاک مالی دارند خودشان تریاک کارند و شیرۀ کشند اینها فرق می‌کند تصور نکردند که آیا جلوگیری نوعی چیست خواهش دارم خصوص اهل سلسله خودم گوش بدهند به جهت اینکه از آنها من زود می‌شنوم آقا را عرض کردم که هر چه عرض کردم بشنوند به جهت آنکه هر چه خطا کردم و فرمودند زودتر می‌شنوم مفساد نوعیه رافع نوعی می‌خواهد حالا که عقلا الحمدلله می‌خواهند یک خدمت نوعی بفرمایند خیلی خوب در ضمن هم یک پولسی پیدا شد عیبی ندارد می‌دانم اهل علم و اهل شرع هم تصویب می‌کنند اما اینجا غرض در آن نیست آنجا که غرض در آن است رواج هم نخواهد گرفت بگوئید تریاک مالیده مضر انحصارش هم غلط این جلوگیری نیست انحصار مالیدنش که مانع نیست کتک زدنش غلط، کتک زدنش که جلوگیری نیست، جریمه گردنش هم غلط، جلوگیری نوعی راجعاً نسبتاً " بیان می‌کردند نوعاً " اگر شخص منمم واقعا " بدانم — در نداشته بلشم به هزار نفر دیگر هم که ضرر داشته باشد واقعا " جبران می‌کند حالا یک شاهی، صد دینار، یک قران یا زیادتر یا کمتر اینست عقیده من که اظهار کردم " من حیث العضویه و من حیث النظاره " .

آخرین نطق مدرس در جلسه بیست و دوم مجلس شورای ملی

پنجشنبه پنجم آبانماه ۱۳۰۵ — ۱۳۴۵ ه. ق

مدرس — من در مسافرت هائی که کرده ام همه جا عده زیادی مهاجرین ایرانی دیده ام. در اسلامبول می‌گویند هشتاد هزار نفر ایرانی هست و در قونییه رفتن از یک دکانی چیز بخرم صاحبش ایرانی بود. در داخله ایران هر جا مسافرت کرده ام غیر ایرانی ندیده ام و خیلی به ندرت اتفاق افتاده است که بکنفر غیر ایرانی

باشد. علت اینهم معلوم است، مردم از جای خراب مهاجرت کرده به جای آباد می روند نه از جای آباد به جای خراب. در مسافرت از سلیمانیه به اسلامبول در اغلب جاها مهاجرین ایرانی می دیدم، از علت مهاجرت آنها سؤال می کردیم، یکی به واسطه تعدیات مامورین بود، یکی به واسطه ظلم و تعدی بود و همچنین، البته باید برای کسانی که بخواهند وارد ایران شوند یک مقرراتی قائل شد ولی ما باید نقطه نظرها را این قرار بدهیم که ایرانی مهاجرت نکنند و آنهم که کرده است برگردد. دولت به شخصی من برای هر ایرانی سه تومان بدهد من تا سه سال دیگر صد هزار ایرانی مهاجر را از خارجه خواهم آورد. یکی خرج راه ندارد، یکی برای تذکره معطل است. این لایحه در درجه هزارم است و ما باید فکری کنیم که ایرانی نرود و آنها که رفته اند برگردند.

سایرین حالا که آزادند و قیدی ندارند چقدر به مملکت ما آمده اند که شما می خواهید برای آنها یک شرایطی هم قائل شوید؟ بروید تجسس کنید غیر از ایرانی هیچکس نمی آید در خرابه و درجائی که ما برای آنهائی که هستند نان تنگ ندارک نمی کنیم دیگران می آیند چه کنند؟ هیچکس نمی خواهد خانه اش را رها کرده مهاجرت کند. مگر فشار به او وارد شود در همین ۲۵ سال مشروطیت اقل ۲۵ کشور ایرانی مهاجرت کردند. رعیت که سرپرست ندارد مثل گله ای است که چوپان ندارد، یکی توی چاه می افتند، یکی را گرگ می دزد و یکی هم سر به صحرا می گذارد. باید سعی کنید که عدالت را مجرا کنید. همانطور که عمر بن عبدالعزیز به والی گفت "حصنها بالعدل"، والی گفت حصار من خراب شده و در بودجه برای اصلاح آن پولی ندارم. گفت: با عدالت حصار بکش. شما هم ترتیب عدالت را درست کنید هیچکس مهاجرت نمی کند."

